

اضافه یا صفت شمارشی خود ضبط شده‌اند. یا «بسک» در مدخلی جدای از «مکیدن» آمده است. یک باره، یک‌بخته و یک چشمی ذیل «یک» و یک‌پا، یک‌تخته و یک چشم به هم زدن هر یک ذیل هسته‌های اصلی اسمی ردیف شده‌اند. «با جوهر» مدخلی مستقل دارد، اما باروح، باسواد یا کله هر یک ذیل هسته‌های اسمی خود آمده‌اند. مصداق‌های این دوگانگی کم نیست؛ «غزل خداحافظی» ذیل غزل آمده، درحالی که با خداحافظی ارتباط معنایی دارد و اساساً «غزل» مدخل راهگشای آن است بی‌تعریف اقتاده و می‌توان آن را حذف کرد.

گفتنی درباره فرهنگ فارسی عامیانه بسیار است و از آن میان البته نکاتی که مربوط به محسنات کار باشد بسیار بیش از این نکته‌های کوچک است که به راحتی قابل تصحیح یا توضیح‌اند. مهم‌تر از همه این که فرهنگ فارسی عامیانه شواهد بسیار در اختیار ما می‌نهد تا بر اساس آنها، در اثبات نسبی بودن دیدگاه مربوط به تفاوت‌های بنیادین میان زبان و ادبیات سخنی بگوییم: استعاره‌های زبانی، مبالغه‌ها، تشبیهات، کنایات و در مجموع مجازهای بسیار زیبایی خفته در مفردات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی نظیر، شهر، مثل برق رفتن، چشم‌چرانی، پهلووان پنبه، در کاری دست داشتن، دل آدم هزار راه رفتن، آفتاب کسی به لب بام رسیدن، از بی کفنی زنده بودن، جوش آوردن و پشه‌ها در هوا نعل زدن، زبان عامیانه را بسیار به ادبیات شبیه و دارای خاستگاهی هنجارگريزانه می‌کند. این اثر زمینه‌ساز طرح روی کردی بسیار متفاوت با روش‌های حاکم در زمینه‌های گوناگون زبان، از جمله آموزش زبان است و اگر فرهنگ فارسی عامیانه با رو آوردن آن عناصر همین یک پیام را برساند که می‌دانیم بسیار بیش از اینهاست، بسیار کرده است. نیز فرهنگ فارسی عامیانه به ما یادآوری می‌کند که فارسی عامیانه بسیار بیش از آنچه می‌پنداریم، انعطاف‌پذیر، پویا و خلاق

است و همین ویژگی‌هاست که اجازه می‌دهد واژه‌هایی نظیر گرتلی، کابویی، آپاچی، دزام فیکته، راپرت، جیمزباندی و آر‌تیستی در کنار واژه‌هایی چون یاردانقلی، قرتی قشمشم و آنرئوت و همه اینها در کنار «دورکه وادور» به زندگی خود ادامه دهند، بدون آن که ترکیب‌های زیبایی چون دل دادن و دل شکستن پریشانی و نم نم باران به تریش قبایشان بر بخورد. از سوی دیگر می‌دانیم که همیشه راه‌گشایان، برای آن که زمینه‌ساز عرصه کارهای فرهنگی کامل‌تر شوند، سختی و دشواری‌های بسیار بر خود هموار می‌کنند که جز به مدد کار طاقت‌سوز در جوار ابداع و نوآوری ممکن نیست و همه اینهاست که نام نجفی فرهنگ‌نویس فلّاق را در کنار نجفی مترجم توانا در ذهن ما زنده نگاه خواهد داشت.

در فارسی عامیانه ترکیبی عطفی داریم با عنوان «قند و نمک» برای توصیف کسانی که شیرین حرکاتی را با ملاحظه گفتار و رفتار توأم دارند. این ترکیب در فرهنگ نیامده است، گویا مؤلف محترم می‌دانسته‌اند که فرهنگ فارسی عامیانه یک پارچه قند و نمک است و نیازی به ذکر لفظ نیست. دستشان درد نکند!

پاورقی‌ها:

۱) Karl Popper

۲) ویگوتسکی Vigotsky و بعضی زبان‌شناسان دیگر واژه را کوچک‌ترین بسته معنی می‌دانند.

۳) با استناد به این که معنی واژه در جمله وضوح و صراحت می‌یابد، بعضی از جمله فرانک پالمر Frank Palmer واحد معنی را جمله به حساب می‌آورند.

۴) referential

۵) Polysemy

۶) homonymy

۷) Paralanguage

۸) واژه‌هایی که یک یا چند واج آنها حذف یا جابه‌جا می‌شود و یا تغییر می‌یابد.

شعر جدید فارسی

محمد اسحاق

ترجمه سیروس شمیسا

انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۹

شعر جدید فارسی کتابی است در باب شعر عهد قاجاریه و مشروطه و شعر اوایل دوره پهلوی و حد واسط بین سبک نو و دوره بازگشت. این کتاب به عنوان پایان‌نامه دکترای یکی از فارسی‌دوستان هندی به نام محمد اسحاق در حدود شصت سال پیش نگاشته شده است و به تازگی با ترجمه دکتر سیروس شمیسا در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. این کتاب سی سال پیش ترجمه شده که بنا بر دلایلی (که در پیشگفتار آمده)، چاپ نشده بود.

شعر جدید فارسی یک دوره نه چندان مفصل ولی مفید از وضعیت شعر و شاعری در دوره معاصر را نشان می‌دهد، در باب چگونگی پیدایش شعر و تغییر و تحول زبان، چگونگی ورود لغات دخیل، اوضاع اجتماعی و علاوه بر شعر، در باب وضعیت روزنامه‌ها و داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و علل تغییر موضوعات، مضامین و... در دوره جدید بحث می‌کند. مراد از دوره جدید از دیدگاه نویسنده این است؛ باید دانست که تمییر ما از اصطلاح «جدید» (Modern) با آنچه که براون (Browne) قصد می‌کند تفاوت دارد. در نظر براون فارسی جدید معادل «فارسی اسلامی» است. یعنی فارسی‌ای که از حمله عرب تا امروز شایع و رایج است. اگر به تعبیر براون معتقد باشیم باید اصطلاح خودمان «شعر جدید» را «مافوق جدید» (ultra modern) بخوانیم. (ص ۳۳)

کتاب شعر جدید فارسی با یک پیشگفتار و مقدمه از مترجم آغاز می‌شود و در هفت فصل پایان می‌پذیرد. اما نکته قابل توجه در مقدمه این است که مترجم بدون هیچ چابنداری به معایب و محاسن کتاب اشاره می‌کند که از ویژگی‌های این کتاب محسوب می‌شود. از جمله محاسن ذکر شده روشن شدن زوایای تاریک ادبیات در عهد مشروطه و آغاز نهضت شعر نوبه معنی رایج امروز

ادامه در صفحه ۵۳

نکته دیگر آن که پیوستگی شاعر به زبان ادیبانه و فاخر (گاه) و نیز وزن شعر (اغلب)، در تعداد قابل توجهی از نمونه‌ها، خیال‌های شاعرانه را به مجموعه‌ای تنگ‌تر هدایت و معطوف می‌کند. سروده‌هایی که اگر یک‌سره به زبان شعر منثور درمی‌آمد، از تشکل درونی مناسب‌تری بهره می‌برد. آیا بدان سبب است که گوینده نتوانسته به اندازه کافی از شعرهای آغازینش فاصله گیرد؛ شعرهایی که به زمان خود نشر نیافته؟ نمی‌دانیم. اما می‌دانیم که از دو کفه حس شاعرانه و زبان شعری، کفه آن یک سنگین‌تر شده. از این موضوع، شاید نکته‌ای دیگر را بتوان مورد توجه قرار داد: در سروده‌های کوتاه‌تر، چه به لحاظ شکل شعر، ایجاز و تشکل ادبی، و چه به لحاظ معنویت کلمه‌ها، پیراستگی بیش‌تری نمود یافته. بازتاب‌هایی ذهنی و در خور نسبت به طبیعت و زیبایی، و گاه آمیخته به زمزمه‌هایی از سر شادمانی یا اندوه:

«در خیالی خام، پخته بودم

اندیشه‌ای روشن را

که شبی در وادی شور

از شرابی کهفته شیدایی کنیم

به وادی که رسیدیم

همه جا را غمی سنگین در خود گرفته بود

اما چون خورشید برآمد

غم بر جای مانده بود»

[وادی‌های شور، ۱۴۱]

«باید رها کنیم
این حالت معلق ویران را
یا روم روم
یا زنگ زنگ
از بوی گرگ و میش هوا خسته‌ایم
بالای عشق
خواهد شکست از ورزش بادهای سخت
و اندوه این سراچه ویران
خواهد فسرده بهار خوب خدا را

این سان

آوار می‌شود غم هستی

بر شاخه لطیف عشق

و صدای شکستن خواهد گسترده

خود را روی دره کوچک غمگین

که سال‌هاست در بستر سکوت نازنین خود

آرمیده است

از بوی گرگ و میش هوا خسته‌ایم ما»

[وادی‌های شور، ۱۸۴]

از گوینده «وادی‌های شور» در مجموعه‌ها و مجله‌های ادبی و فرهنگی دهه‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۳۰ قطعه‌های بسیاری نشر یافته. با این حال، دفتر حاضر، هم نخستین مجموعه از اوست، هم منتخبی است از شعرهایش در میانه سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۷؛ حضوری فروتنانه در کلام از یک طیبی - ادیب معاصر که دکتر احمد جلیلی (متولد ۱۳۲۲) باشد.

شعر جدید فارسی

ادامه صفحه ۴۹

آن (...) و از جمله معایب اینکه، کتاب نسبت به موضوع مختصر است.

هفت فصل کتاب با این عناوین تشکیل شده است: فصل اول: پیدایی، که شامل چگونگی پیدایش شعر جدید است. فصل دوم: شاعران، که شامل معرفی شاعران و تقسیم‌بندی آنهاست. فصل سوم: در مورد زبان و چگونگی وضعیت آن در این دوره است. فصل چهارم: بحور، که در مورد تاریخچه شعر و وزن و هجا و ... است. فصل پنجم و ششم به ترتیب در باب قوالب و مضامین شعری نگاشته شده و فصل هفتم: نتیجه، که در بردارنده نتایج و نظرات کلی نویسنده در مورد شعر جدید فارسی است. در این فصل نویسنده هشت مشخصه اصلی برای شعر جدید فارسی برمی‌شمرد که چهار نمونه آن به قرار زیر است: ۱- سبک مصنوعی و پرزرق و برق جای خود را به یک سبک طبیعی و ساده داده است. کلمات برای ادای معانی به کار می‌روند نه این که معنی فدای لفظ شود. ۲- در اشعار یک مشخصه به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد که شاعران فردیت بیشتری یافته‌اند. ۳- شعر جدید از نظر مضامینی که امروزه بیشتر مورد علاقه مردم است اصالت و تازگی قابل توجهی یافته است. ۴- همه گونه شعر وجود دارد: تعلقی، توصیفی، آموزشی، تاریخی، سیاسی، میهنی و عاشقانه. (ص ۲۰۰)

در پایان بعد از نتیجه‌گیری و اتمام فصول اصلی کتاب، کتابنامه، فهرست مطبوعات، واژه‌نامه و فهرست اعلام را می‌بینیم.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «شاعران جدید ایرانی، دیگر با مضامین محدود قراردادی شاعران کهن که قرن‌ها بدون طراوت و اصالت مشخصی مورد تقلید قرار گرفته‌اند، راضی نمی‌شوند. به عقیده آقاخان کرمانی تملق و چاپلوسی که در مطاوی قصاید مندرج بود، باعث شد که شاهان و بزرگان بی‌ارزش و متکبر پرایند. آموزش‌های صوفیانه بطالت و ولگردی را به ثمر آورد و طبیعت شهبانی غزل اخلاقیات جوانان ایرانی را فاسد و تپاه کرد. لذا شاعران ایرانی می‌کوشند تا از تصنع، بی‌صداقتی، تکرار مکررات و مبالغه‌رهای پابند، آنان به شدت علاقمند به مضامینی هستند که توسعه وضع اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورشان را تسریع کند.» (ص ۱۵۶)

شعر جدید فارسی در ۲۳۲ صفحه با قیمت ۱۲۰۰ تومان به چاپ رسیده است.